

عدالت اسلامی و گفتمان انتقادی در سیاست خارجی ایران

زهرا پیشگاهی فرد*

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

بهادر زارعی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۲۰ - تاریخ تصویب: ۸۷/۱۱/۶)

چکیده

اندیشه سیاسی اسلام که ساختار تنوریک نظام سیاسی ایران را صورت بندی می نماید متأثر از ارزش های توحیدی و جهان شمولی اسلام و مدعی صورت بندی و شیوه سازماندهی خاصی برای دست یابی به اهدافی متعالی است. از مهم ترین این ارزش ها اصل عدالت را باید نام برد که خداوند هدف از بعثت پیامبران (لیقوم الناس بالقسط) و تمامی انسان ها بویژه اهل ایمان برپاداشتن عدل و قسط اعلام می دارد. جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد قانون اساسی اجرای اصل عدالت در عرصه های مختلف داخلی و بین المللی را یکی از اهداف و آرمان های نظام اسلامی می داند. این اصل در سیاست خارجی به سیاستی انتقادی از سلسله مراتب ژئوپولیتیک قدرت در نظام جهانی، هنجارهای حاکم بر سیاست بین الملل، نقش شورای امنیت در حفظ وضع ناعا دلانه موجود و جایگاه سازمان ملل و مواضع آن که جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای مستضعف را متأثر می سازد می پردازد.

واژگان کلیدی:

عدالت، اندیشه اسلامی، عدالت و سیاست، سیاست خارجی، قانون اساسی

رویکرد قانون اساسی به موضوع عدالت و روابط خارجی ایران

مسأله‌ی عدالت برای قانون‌گذارانی که در فضایی انقلابی و به شدت آرمانی اقدام به قانونگذاری کرده‌اند، چنان جدی و حیاتی بوده که در فصول و اصول مختلف قانون اساسی به وجوه متفاوت آن اعم از عادلانه ساختن شرایط، از میان بردن فاصله طبقاتی، جلوگیری از بروز مجدد شکاف‌ها و متمرکز شدن قدرت و شکل‌گیری طبقات جدید و سرانجام تحکیم، و درونی سازی آن پرداخته است. از جمله اصول و مواردی که قانون اساسی به آن پرداخته و خواستار اجرا و پیگیری آن اصول در جامعه جهانی است، تلاش در جهت عادلانه ساختن شرایط درونی و بیرونی نظام اجتماعی، از بین بردن شکاف و فاصله طبقاتی، جلوگیری از افزایش مجدد شکاف‌ها و تحکیم درونی سازی عدالت است. تمهید شرایط عادلانه به منظور فراهم آوردن بستر مساعد رشد استعدادها، بروز شایستگی‌ها و اعاده‌ی حقوق و کسب استحقاقها، مستلزم حصول نوعی عدالت پیشینی است که در اصول سوم، چهاردهم، نوزدهم، بیستم قانون اساسی دیده شده است. تساوی عموم مردم در برابر قانون، رعایت قسط و عدل در حق غیر مسلمانان، اعطای حقوق مساوی صرف نظر از رنگ و نژاد و زبان و بالاخره برابری زن و مرد از جمله اصولی است که عهده دار تحقق چنین شرایطی است. قانون اساسی راهکارهای مهمی برای جلوگیری از افزایش مجدد شکاف‌ها پیش بینی کرده است. این قانون در بند ۴ از اصل چهل و سوم، بر ممنوعیت استثمار و بهره‌کشی از کار دیگری تصریح نموده و با جلوگیری از تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروههای خاص (بند ۲، اصل چهل و سوم)، از جان گرفتن دوباره گروههای صاحب مکتد و یا ظهور طبقات جدید ممانعت کرده است (شجاعی زند، ۱۳۰: ۸۲). نفی تبعیضات منطقه‌ای در بهره‌برداری از منابع طبیعی و درآمدهای ملی مطرح در اصول چهل هشتم و یکصد و یکم و همچنین مشارکت دادن بیشتر مردم در اداره امور کشور از طریق تشکیل شوراهای محلی و صنفی از دیگر تمهیدات پیشگیری‌کننده‌ی قانون اساسی در این راه است. تساوی عموم مردم در برابر قانون که در بند ۱۴ از اصل سوم بدان تصریح شده راهکار دیگری برای جلوگیری از اعمال هرگونه تبعیض میان آحاد اجتماعی است. بنظر می‌رسد اتخاذ خط مشی روشن و صریح نسبت به مسئله عدالت و پیش بینی راهکارهای متعدد و مکمل به منظور تحقق و صیانت عملی از آن نشانگر هوشیاری، واقع‌نگری و آگاهی قانونگذار از این حقیقت محرز است که امر خطیر عدالت را نمی‌توان به‌سازو کار خود به‌خودی و دست پنهان سپرد (Robert, 1964, p358). این رویکرد به این حقیقت نیز اشاره دارد که دوام و پایداری عدالت، مستلزم تحکیم و درونی سازی آن از طریق ترویج روح برادری و تعاون است. لذا ضمن تصریح به این مسأله ذیل بند ۱۵ از اصل سوم، در اصول

دیگر مثل بند ۲ از اصل چهل و چهارم نیز به شکل مستقل به تشویق و تقویت اقتصاد تعاونی اهتمام ورزیده است.

آن گونه که از قانون اساسی و عملکرد روابط خارجی ما استنباط می گردد، همچنین استعمال ۲۸ بار واژه عدالت با اشکال و صور متفاوت در سند ملی ایران مبین یکی از اصول اعتقادی و تلاش حکومت در جهت یافتن ساز و کارهایی مناسب و مطلوب به منظور اعمال و اجرای آن در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درون نظام اجتماعی، سعی و کوشش برای وادار ساختن نهادهای بین المللی و حقوقی و اصرار بر تغییر رفتار جامعه جهانی بر مبنای عدالت است. هر چند جمهوری اسلامی ایران فاقد قدرت لازم به منظور تأثیرگذاری بفرایند تحولات بین المللی باشد و مورد بی توجهی دولت های قدرتمند که سازنده چنین رفتار و نگرشی در روابط بین المللی باشند، قرار گیرد. شاید گفتمان انتقادی جمهوری اسلامی ایران پیرامون مقولاتی چون، نظام بین الملل، سلسله مراتب قدرت، نهادهای بین المللی، ساختار و کارکرد آن، تلاش در جهت متقاعد ساختن دولت ها و نهادهای بین المللی به رویه ها و رویکردهای عادلانه ناشی از چنین نگرشی است. به رغم اینکه فصل اول و ماده یک منشور ملل متحد اشعار می دارد: حفظ صلح و امنیت بین المللی... و بر طرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز و حل و فصل اختلافات بین المللی با شیوه های مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل. همچنین بند ۳ ماده ۲: کلیه اعضا اختلافات بین المللی خود را با شیوه های مسالمت آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد (منشور ملل متحد اصل اول). اگر چه بسیاری از اصول و مواد منشور برای حل و فصل اختلافات بین المللی و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز و کارهای ناقض صلح توسط دولت ها در آن تدوین شده است اما به مرور زمان تا حدودی سیاست قدرت جای اصول صریح منشور بوسیله دولت های قدرتمند را گرفت. با توجه به نگرش عدالت محورانه ی دینی که الزام بیشتری را برای پیروان آن به همراه می آورد، و همان گونه که در قانون اساسی نیز مشاهده می شود و در تدوین اولیه آن دوسوم از اعضا شورای مقننین روحانی یا تحصیل کنندگان حوزوی بودند، بنابر این وجود نگرش های عدالت محورانه ی شیعی، نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر (قانون اساسی، اصل ۱۵۲) در قانون اساسی تا حدود زیادی ایجاب و ضرورت نگاهی عادلانه به نظام بین الملل و تحولات جهانی با توجه به نظام اعتقادی اسلام و منشور ملل متحد اجتناب نا پذیر می نمود. بنابراین رویکردهای انتقادی سیاست گذاران کلان و کارگذاران دستگاه دیپلماسی ایران نسبت به ناعادلانه بودن مناسبات بین المللی در همین راستا قابل تحلیل و توجیه است. در زیر نمونه هایی از این رویکردهای می گردد: چنانچه

تحولات نظام بین الملل سمت گیری عادلانه نداشته باشد و امکانات متمرکز شده در بخش کوچکی از جهان موجب ارتقای کیفی سطح زندگی و کشور های کمتر توسعه یافته نگردد جنگ بین مستضعفین و مستکبرین جهان را پیش رو خواهد داشت و سازمان ملل به عنوان سازمان جهان شمول می بایست بر اساس عدالت، احترام به کرامت و ارزش های والای انسانی، بدور از ملاحظات کوته بینانه سیاسی و بر مبنای حقوق بین الملل برای حل مشکلات بین المللی ارائه طریق نماید»، «این مشکل باعث شده مفهوم عدالت که علی الاصول می باید زیر بنای منشور ملل متحد باشد به درستی تعریف نشود و زمینه برای سوء تفسیر منشور باز بماند به اعتقاد ما منشور به شدت دچار تناقض است مثلاً در مورد حق و تو منشور این حق را صرفاً برای چند عضو دائم شورا منظور داشته است» (ولایتی، ۱۳۷۰: ۲۲۰). «آمریکا و ممالک صنعتی غرب همچنین از طریق کنترل سازمان های بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و مخالفت بر هر گونه تغییر اساسی عادلانه در مدیریت این سازمان ها همواره سعی کرده است تا سیاست های پولی و مالی و اقتصادی را که حافظ منافع آنها است بدون کوچکترین توجیهی به شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود در کشور های در حال توسعه و نیازهای آنان به این کشورها تحمیل نماید» (همان، ۱۳۷۳: ۲۲۷). این بر داشت نا عادلانه و ظالمانه ای که در اذهان سیاست گذاران و مجریان دستگاه دیپلماسی ایران از نظام بین الملل و روابط بین الملل وجود داشته و دارد بسیاری از آنان برای ساختن حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد... و از مبارزه ی حق طلبانه ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند (قانون اساسی، اصل ۱۵۴). وا داشته و در قالب اصولی از قانون اساسی تدوین گردیده و هم اکنون مبنای رفتار و عمل دولت مردان جمهوری اسلامی است.

به نظر می رسد آخرین اصل سیاست خارجی قانون اساسی ایران (اصل ۱۵۵) نیز متأثر از اصل پیشین است، به نوعی این موضوع را باز می تاباند که چنان چه مبارزین با استکبار جهانی (مستضعفین جهان) در راه تشکیل حکومت عادلانه تحت تعقیب و پیگیری قرار گیرند وزارت امور خارجه ایران به استناد این اصل قانونی امکان و اجازه پناهندگی سیاسی به این افراد را دارد و می تواند اقدام نماید.

شاید یکی از مشکلات پیوسته دستگاه دیپلماسی ایران عدم شناخت و درک دقیق علائق و منافع رفتار بازیگران عرصه بین المللی است. امروز کلیت نظام بین الملل جهت گیری خود را اقتصادی تنظیم کرده اند و ابعاد فرهنگی مانند عدالت و... در دایره های کوچک تر و تحت الشعاع مدار اقتصادی قرار دارند. تقریباً تمام وجوه غیر اقتصادی مملکت داری در اختیار وجوه اقتصادی می باشد. از طرف دیگر قواعد بازی رفتار بازیگران همیشه در تاریخ روابط بین الملل توسط قدرت های برتر تدوین و طراحی می شده است و قدرت های منطقه ای و کوچک نقش

چندانی در این زمینه نداشته اند. هر چند مفاهیمی مانند عدالت و برابری در فرهنگ مغرب زمین با فرهنگ اسلامی (و شیعی) تفاوت اساسی و اجرایی دارد.

تأثیر عدالت بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی عبارت است از مجموعه‌ی خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌نماید، به عبارت دیگر سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل و در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی می‌باشد، بنابراین تعریف سیاست خارجی هر کشوری شامل دویخس مجزا می‌باشد: الف) اهداف ملی که هر کشوری در صحنه بین‌المللی در صدد تعقیب و تحصیل آن می‌باشد. ب) سیاست‌ها و روش‌هایی که برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می‌گردد.

بنابراین نقطه آغاز در سیاست‌گذاری خارجی هر کشوری نیازها و آرمان‌هایی می‌باشد که به عنوان اهداف ملی بیان و برای تحقق و تامین آنها تلاش می‌گردد (محمدی، ۱۸: ۷۷).

برخی سیاست خارجی هر کشوری را در نهایت ادامه سیاست داخلی آن می‌دانند و رفتارهای بیرونی آن ناشی از لایه‌ها و پیچیدگی‌هایی که در داخل آن وجود دارد تلقی می‌نمایند. اهداف کلان ایران در واقع به صورت تلویحی، فرهنگ سیاسی انباشته شده و ماهیت فکری - طبقاتی نخبگان ابزاری آن نقش اساسی در رفتار سیاست خارجی ایران بازی می‌کند. نتیجه رفتار، عکس‌العمل‌ها و نظام انگیزشی یک ملت در فرهنگ سیاسی آن است (سریع‌القلم، ۴۷، ۷۹).

پروفسور روح الله رضانی با نگاهی عمیق و دقیق به حوزه سیاست خارجی ایران و به شیوه‌ای نقد گونه نسبت به عدم شناخت علمی آن برای پیش برد اهداف و برنامه‌های ملی می‌نویسد: سیاست خارجی، همواره و در همه‌جا، از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده است. ولی متأسفانه در ایران، اهمیت واقعی و نقش آن در رقم خوردن سرنوشت کشور و ملت و زمینه‌سازی فراز و نشیب‌ها و نیز ارزش بی‌چون و چرایش به منزله یکی از بزرگ‌ترین ابزارهای تأمین یکپارچگی، امنیت سرزمینی، وجهه و اعتبار بین‌المللی، پیشبرد اهداف و برنامه‌های ملی به شیوه‌های علمی باز شناخته نشده است (رضانی، ۸۰: ۲۵).

تردیدی نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خود بخشی از نظام جمهوری اسلامی و وجهی از کل سیاست کشور است که بر مبنای موازین اسلامی بنا شده است. در همین راستا یکی از اهداف آرمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه

بین‌المللی تلاش در جهت برپایی اصل عدالت در جامعه جهانی است، در این بخش تلاش می‌شود تا به اصل عدالت از سه منظر قرآن کریم، کارگزاران نظام و قانون اساسی که تصمیم‌سازی‌های کلان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را متأثر ساخته است، پرداخته شود. یکی از دلایل اصلی که نظام سیاسی ایران تحقق عدالت را در جامعه خویش و جامعه جهانی تعقیب می‌نماید و آن را از اصول راهبردی دستگاه دیپلماسی خویش می‌پندارد تأکید قرآن کریم بر این اصل است. از منظر قرآن کریم عدالت اصل و مبدأ هستی است، بدین معنا که هستی بر اساس آن و مطابق آن بنا شده است (سوره انعام، آیه ۱۱۵). وهم والاترین و باارزش‌ترین هدف جهان هستی است. انبیاء بشر و ادیان توحیدی و شریعت‌های بر جای مانده، هدف خود را دست یافتن به عدالت و استقرار آن در جامعه و نفس انسان می‌دانند. (قل امر ربی بالقسط) عدالت ریشه در فطرت بشر دارد و دین مبین اسلام نیز که بر مبنای خواستها و نیازهای فطری بشر بنا شده است به عدالت به عنوان حقیقتی که انسان آن را در ذات خود یافته و فطرتش به آن حکم می‌کند تأکید دارد. با توجه به اینکه نظام سیاسی ایران داعیه اسلامی بودن و قرآنی بودن تمام اجزاء و آحاد خویش را دارد طبیعی است که دستگاه دیپلماسی آن با توجه به تأکیدات مکرر اسلام و قرآن، در پی تحقق چنین اصلی باشد، هرچند دست یافتن به آن در شرایط کنونی با توجه به محدودیت قدرت این کشور و مخالفت قدرت‌های برتر جهانی با چنین اصل و امر قرآنی دشوار به نظر می‌رسد، اما از آنجا که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مکلف (دین اسلام) و موظف (بر اساس، مقدمه و اصول ۱، ۳ و ۱۵۴ قانون اساسی...) به تعقیب و پی‌گیری آن است، لذا دفاع از این اصل و یافتن ساز و کارهای تحقق آن در مجامع بین‌المللی را از جمله رسالت‌های جهانی خویش می‌پندارد. پس عدالت جویی را می‌توان یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی که بدل به نوعی ارزش در سیاست خارجی می‌شود، دانست. این قاعده به هویت جمهوری اسلامی به عنوان یک عنصر عدالت‌گرا و یک واحد سیاسی عدالت‌جو شکل خواهد داد. باز تاب عینی این موضوع رامی‌توان در تأکید بر حمایت از مستضعفین جهان یا حمایت از جنبش‌هایی که در پی ایجاد عدالت هستند و امثال این‌ها دید (مشیرزاده، ۸۵، ۲۲).

از عوامل دیگری که دستگاه دیپلماسی ایران را موظف به تلاش در جهت تحقق عدالت در عرصه روابط بین‌الملل می‌نماید، دیدگاه‌های شفاف کارگزاران نظام پیرامون اصل مذکور است، علاوه بر نخبگان داخلی فقهای شیعه در سایر کشورهای اسلامی نیز پیرامون دولت اسلامی در جهان اسلام و سیاست خارجی آن مطالبی را منتشر نموده‌اند. یکی از آنان آیت الله سید محمد باقر صدر است، وی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی را: الف- حمایت و

ایستادگی بر جانب داری از حق و عدالت در مسائل بین‌المللی ب- یاری تمام مستضعفین و محرومان جهان و مقاومت در برابر استعمار و طغیان‌گری، می‌داند (صدر، ۷۷: ۲۵۸).

عدالت، نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ایران از نگاه امام خمینی

به نظر می‌رسد نوشته‌ها و خطابه‌های امام خمینی بیشترین تأثیر را در جهت‌گیری فکری و کلامی جامعه و نخبگان اجرایی و سیاسی ایران داشته و دارد. اصول سیاست خارجی که امام خمینی طراحی نموده است، می‌تواند به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در سیاست جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد.

امام خمینی (ره) یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران را ایجاد قسط و عدل و بسط عدالت فردی و اجتماعی، جلوگیری از ظلم و فساد و جور، ایجاد حکومت قانون و اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل می‌داند. در این رابطه حضرت امام خمینی (ره) مصادیق اجتماعی و اقتصادی عدالت را برمی‌شمرند و آنها را زمینه‌ساز حکومت حق به نفع مستضعفان و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می‌داند. حمایت و طرفداری از مستضعفان، خدمت به ضعفاء، رسیدگی به وضع محرومین و نجات آنان از زیر یوغ ستمگران، از بین بردن فقر و شکافهای طبقاتی در زمره گامهای مورد نظر حضرت امام (ره) برای تحقق عدالت و استیفای حقوق حقه مستضعفان تلقی شده است (دهشیری، ۷۹: ۵۱). ماعدالت اسلامی رامی خواهیم دراین مملکت برقرار کنیم. اسلامی که درآن ظلم وجود ندارد و شخص اول آن با فرد آخر آن در برابر قانون مساوی است... و این قانون مبتنی بر عدالت الهی است» (امام خمینی، ۵۸: ۱۵۶).

امام خمینی در دهه آخر عمر خویش به نقد نظام بین‌الملل موجود که بیشتر متأثر از توازن قدرت و منافع صرف ملی، و به تشریح نظام مطلوب مورد نظر جمهوری اسلامی پرداخته و شاخص‌های آن را بیان می‌دارد. نویسندگان کتاب سیاست خارجی ایران بر این عقیده‌اند: امام خمینی بر حفظ صلح جهانی، ایجاد امنیت و عدالت در سرتاسر جهان از طریق همکاری متقابل تأکید داشته و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها بر مبنای احترام به عقاید یکدیگر و پایبندی به قراردادها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می‌دانستند (مولانا - محمدی، ۵۸: ۸۷). البته ایشان لازمه این امر را بستر سازی مناسب در نظام بین‌الملل دانسته که از بین رفتن نظام سلطه غرب و شرق، توجه به ارزش‌های انسانی، ایجاد نظام عدل و قسط در سراسر جهان و از بین بردن فقر می‌دانستند (صحیفه نور، جلد ۱۲: ۶۳۱). امام خمینی سیاست قدرت و زور را در عرصه بین‌المللی و روابط بین‌دولت‌ها را ظالمانه، زورگویی و نا عادلانه می‌داند که برای جمهوری اسلامی قابل هضم نیست

و چنین نگرشی را در سیاست خارجی ایران مطلقاً مردود و مطرود می‌پندارد که ایران نمی‌تواند با آن کنار بیاید (همان، جلد ۱۸).

ایشان دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را پیرامون جایگاه و نقش عدالت در روابط بین الملل چنین اعلام می‌دارد: ما عدالت را برای همه {ملت‌ها} می‌خواهیم. اگر دنبال صلحیم باز بر پایه عدالت است که ماندگار و پایدار است (صحیفه نور جلد ۸، ۶۷).

نگاه امام خمینی به نظام بین الملل و سیاست خارجی ایران بدون توجه به ملاحظات سیاسی زمان خویش که نظام دو قطبی بر جهان حاکم بود، بلکه نگرش او مبتنی بر اصول اعتقادی اسلام و ارزش های توحیدی جهانی و جاودانه مانند عدالت باوری مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از محرومان بوده و با تئوری های نه چندان با دوام و جامع روابط بین الملل هیچ نوع تناسب و همخوانی ندارد که در تضاد نیز هست. او با صراحت خطوط کلی سیاست خارجی ایران را در زمان خویش اعلام می‌دارد: ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین المللی اسلامی امان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم (صحیفه نور، جلد ۲۰: ۲۳۸). به باور قوام در این دوره دو قدرت بزرگ شرق و غرب یعنی آمریکا و شوروی با بد بینی اخلاقی به سیاست، سیاست بین الملل را بر آمده از مبارزه بی امان و بی انتها برای کسب قدرت می دانستند و ریشه چنین رقابتی را در طبیعت انسان جستجو و توجیه می نمودند و برای عدالت، قانون و جامعه حد مشخص و محدودی را در نظر می گرفتند (قوام، ۸۴: ۳۶۰). نگرش انتقادی امام خمینی به نظام بین الملل، سلسله مراتب قدرت و نگاه ناعادلانه دولت های قدرت مند به مستضعفان و محرومان جهان تا پایان عمر خود حفظ نموده است. این نگرش در وصیت نامه ایشان از مستضعفان و محرومان و همچنین کشورها و ملل اسلامی خواسته است تا بپا خیزند و نهراسند و مستکبران جهان را سر جای خود بنشانند. لازم به ذکر است که نگاه خاص ایران به نظام بین الملل اگر چه بعد از ارتحال امام خمینی دست خوش تغییراتی شد اما در دوره اخیر مجدداً احیا گردیده است که بعداً به آن باز خواهیم گشت.

به نظر می‌رسد اصول سیاست خارجی که امام خمینی طراحی نموده است، می‌تواند به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در سیاست جمهوری اسلامی ایران به شمار آید. به گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای نیز پس از ارتحال امام خمینی و انتخاب ایشان به سمت رهبری، در خرداد ۶۸ رسماً اعلام داشت: خطوط کلی در سیاست جمهوری اسلامی ایران، همان خطی است که امام خمینی تبیین و ترسیم نموده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۶۸: ۵) آیت‌الله خامنه‌ای در خطابه‌های خود عدالت را در نظام اجتماعی و بین المللی در سه محور تعقیب می‌نمایند: الف- تلاش حکومت برای استقرار قسط و عدالت در جامعه و نظام بین الملل ب- کوشش

برای رفع فقر و نا امنی و محرومیت در جامعه (مبارزه با فقر و تبعیض) ج- مبارزه جدی با مفسد اقتصادی و توجه به معیشت مردم. ایشان در همین رابطه معتقدند: «نظام اسلامی نظام عدالت است. این نظام اسلامی بوجود آمده است، اولین کارش قسط و عدل است قسط و عدل واجب‌ترین کارهاست، ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی دعوتی ناقص و دروغ است و هر نظامی هر چند با آرایش اسلامی اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد غیراسلامی و منافقانه است. در عرصه‌ی بین‌الملل نیز دستگاه فکری اندیشوران و کارگزاران نظام اسلامی عدالت محور و معترض و در پی ایجاد نظم عادلانه در مقابل شرایط کنونی است. «دنیا اتفاقاً دنیایی است که به قسط و عدل بی‌اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت در دنیا خیلی تنهائیم، به این شعارهایی که در دنیا می‌دهند نگاه کنید، اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل در رعایت حقوق انسان‌ها و رعایت ضعفا و محرومان نیست» (آیت الله خامنه‌ای، ۷۶). «مردم در دنیا تشنه عدالتند، امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می‌زنند، بی‌عدالتی از همه جا بیشتر است» (همان، ۷۶). به نظر می‌رسد با توجه به مسائل مطروحه توسط کارگزاران نظام اسلامی، یکی از وظایف و رسالت‌های نظام اسلامی تعقیب اصل عدالت در عرصه‌ی بین‌الملل است. زیرا نظام فکری - دینی مسلمانان "لیقوم الناس بالقسط و یمل الله به الارض عدل و قسط" (حدید، ۲۵) است. بنابراین فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. چرا که قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، بر اساس همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند. به یقین در عرصه‌ی بین‌المللی نیز یکی از وظایف و اهداف عالی‌ی دولت اسلامی تعقیب این اصل حساس و توحیدی است. کوتاه سخن آنکه تأکید که در اسلام و به خصوص در تشیع بر عدالت شده آن را به یک عنصر ارزشی تعیین-کننده تبدیل کرده است که در شکل دادن به آنچه که ما تحت عنوان هویت اسلامی می‌شناسیم نقش دارد.

در ایران براساس قانون اساسی سیاست‌های کلی نظام توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام با نظارت رهبری تدوین و به دولت ابلاغ می‌گردد، رهبری در سال ۸۲، دیدگاه‌های خویش پیرامون سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی چنین اعلام داشتند: الف- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر. ب- تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل. ج- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف بویژه ملت فلسطین در مقابله با تک‌قطبی شدن جهان. همان‌گونه که پیداست

اصول مذکور منبعث از روح عدالت محوری حاکم بر دستگاه فکری تصمیم‌سازان کلان جمهوری اسلامی ایران است که عمدتاً انتقادی و معترض از شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل، مبتنی بر مناسبات قدرت و خواهان حفظ وضع موجود است. جالب است بدانیم که در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز که به دولت در سال ۸۷ ابلاغ شده در ماده ۹ بند ۳۹ چنین تدوین شده است: سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی با هدف تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی، همچنین حمایت از ملت‌های مظلوم و مستضعف، و... مجدداً قید و به دستگاه دیپلماسی دولت ابلاغ شده است (سیاست‌های کلی نظام، ۸۷: ۷).

به نظر می‌رسد یکی از مهمترین منابع و مآخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی کشور است، با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام و تمام نهادهای ایران را که بر اساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده بشناسیم. از جمله آنان و شاید یکی از مهمترین آنان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی است. با توجه به رسالت جهانی انقلاب اسلامی قانون اساسی بیشترین توجه و اهمیت را به تحقق اهداف بین‌المللی و خارجی خود داده است (R. ramazany، ۱۳۰، ۹۲).

مقدمه قانون اساسی، هدف از برپایی حکومت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن و عدل خدا در خلقت و تشریح و همچنین نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط، عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند، می‌داند. سه اصل از اصول قانون اساسی (اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴) دستگاه سیاست خارجی را موظف و مأمور پیگیری و تعقیب یکی از اهداف عالی اسلام یعنی اصل عدالت در عرصه بین‌المللی می‌نماید. در اصل ۱۵۴ چنین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد...» (قانون اساسی، ۶۸: ۸۱)

یکی از اهداف غایی و آرمانی که قانون اساسی به جد به آن پرداخته است و تصمیم‌سازان و کارگزاران دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی را مأمور یافتن ساز و کارهای مناسب جهت تحقق آن نموده است تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی است. به یقین دست یافتن به چنین اصل آرمانی قطعاً باید بر مبنای عدالت باشد، تا بتواند این حکومت را به حکومت جهانی و عادلانه حضرت مهدی (عج) پیوند دهد، و زمینه ساز حکومت جهانی اسلام باشد.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این هدف و رسالت جهانی عنایت خاصی مبذول شده و چنین آمده است: قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران

که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را فراهم کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به اصل ۱۵۴ و مقدمه قانون اساسی که انقلاب ایران را حرکتی برای پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین می‌داند یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حقیقت مقدمه و لازمه‌ی تشکیل حکومت واحد جهانی همانا مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مردم مستضعف دنیا در هر نقطه‌ای با هر نژاد، زبان و مذهب می‌باشد. مسأله‌ی حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین جهان مورد توجه اساسی رهبرانقلاب اسلامی بوده به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، تأسیس حزب جهانی را به نام حزب مستضعفین در قبال مستکبرین مطرح نمودند تا در راه تحقق وعده‌ی الهی که همان حاکمیت مستضعفین بر جهان است گامهایی برداشته شود. لذا یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی در گسترش مبارزه علیه استکبار جهانی این است که تمامی نیروهای بالقوه و بالفعل دنیا را در قلمروی وسیع برای رودررویی و مقابله با استکبار جهانی بسیج کند. قصد جمهوری اسلامی این نیست که با نابودی ابرقدرت‌ها و استکبار خود جانشین آنها شده و به همان شیوه عمل نماید بلکه مبارزه با استکبار جهانی یک مبارزه ارزشی و فرهنگی است و اختلاف بر سر احیاء و تعالی و حاکمیت فضیلت‌های انسانی است. مبارزه برای برپایی عدالت و ایجاد یک جامعه عادلانه است، مبارزه بین جهان مادیات و جهان ایمان و معنویات یک مبارزه مستمر و طولانی خواهد بود.

بنابر آنچه گفته شد هم تئوری پردازان حوزه و دانشگاه و هم تصمیم‌سازان و سیاست‌گزاران و هم مجریان دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت، ارزش و جایگاه عدالت در اندیشه اسلامی و برآیند آن حکومت اسلامی، ضرورت توجه، اعلان و اعمال آن توسط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و لو عدم توفیق در دستیابی به آن در عرصه داخلی و بین‌المللی اجتناب ناپذیر است. همانطور که جمهوری اسلامی ایران به رغم موفقیت در اجرا و اعمال آن در عرصه‌های مختلف تاکنون در سیاست‌های اعلانی خویش از آن عدول ننموده و فروگذار نکرده است. مسؤول دستگاه دیپلماسی ایران از سال ۶۱ تا ۷۳، سیزده بار موفق به حضور در اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل و ارایه سخنرانی و بیان دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران شده است. ایشان به طور متوسط بیست و شش بار پیرامون جایگاه عدالت و اهمیت آن نزد این کشور به عنوان یکی از اصول اعتقادی سیاست خارجی دولت خود که در جهت تحقق و بسط آن از هر تلاش و کوششی فروگذار نخواهد بود، اهتمام ورزیده است. این اصل در زمان دولت خاتمی نیز هر چند به عنوان ابزاری در

جهت نقد و نفرین قدرت‌های استثماری و استکباری به کار نرفت اما به عنوان یکی از اصول ثابت سیاست خارجی این دوره در عرصه بین‌المللی تعقیب می‌شد. کمال خرازی این موضوع را چنین تشریح می‌نماید: «موضوع دومی که باید در ریشه‌های داخلی سیاست خارجی ایران بررسی شود فرهنگ سیاسی است که نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای خود حساس است. این فرهنگ، که کاملاً با

باورهای مذهبی عجین است، تبلور تاریخ طولانی آن آرزوی عدالت می‌باشد» (خرازی، ۸۰:۹۰).

احمد نقیب‌زاده اندیشمند ایرانی و متخصص روابط بین‌الملل بر این عقیده است که نگرش عدالت‌محورانه جمهوری اسلامی طی این سی سال ریشه در ارزش‌های معتبر فرهنگ ایرانی دارد که تأثیر خود را بر رفتار اجتماعی و سیاسی مردم و دولت مردان بر جای می‌گذارد. عدالت در عالم سیاست در قلب اندیشه‌های سیاسی ایرانیان قرار داشته است. به عقیده نقیب‌زاده: اصل عدالت امروز نیز بر رفتار ما حاکم است و زیر عنوان مبارزه با ظلم بر سیاست و رفتار خارجی ما اثر می‌گذارد در اعتقادات شیعه پذیرش ظلم نه تنها عمل نکوهیده‌ای است بلکه خشم فرو بستن به ظلمی که به دیگران روا می‌رود نیز پسندیده نیست. این نگرش در سیاست خارجی ایران جایگاه والایی پیدا کرده است (نقیب‌زاده، ۸۱: ۲۲۶).

به همین دلیل در دستگاه فکری دولت مردان ایران رمزگان عدالت بیش از هر عامل دیگری آنان را در برابر ساختار ظالمانه نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ قرار می‌دهد بر همین اساس تمام نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نیز ابزاری در دست ظالمان جهان هستند که همراه با خود ظالمان جهان باید مورد معارضة قرار گیرند.

دیدگاه انتقادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نهادهای بین‌المللی

دولت‌ها در سیاست خارجی خود، برای سازمان‌های بین‌المللی بخصوص سازمان ملل جایگاه و اعتبار ویژه‌ای قائلند، بطوری که نفس عضویت در سازمان ملل و سایر سازمان‌های معتبر جهانی برای کشورها ایجاد اعتبار بین‌المللی و مقبولیت داخلی به همراه دارد. بنا به باور دکتر آقایی: یک دولت با عضویت در سازمان ملل، علاوه بر آنکه کسب اعتبار می‌کند، در واقع اعلام می‌دارد که می‌خواهد در چارچوب مقررات و قوانین بین‌المللی با دیگر اعضاء رابطه برقرار کند (آقایی، ۸۱: ۸۵). در عصر حاضر هیچ سازمان بین‌المللی در نظام بین‌الملل نقشی مؤثرتر از سازمان ملل بر عهده ندارد و کشورها نیز باید بر اساس اهداف و منافع ملی خویش، از این سازمان و نقش و نفوذ آن در روابط بین‌الملل بهره‌مناسب را ببرند. اما این وضعیت تا حدودی برای جمهوری اسلامی ایران متفاوت بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال سفارت

آمریکا و شروع جنگ عراق بر علیه ایران و با نفوذ دولت های قدرت مند غربی در سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی که در بیشتر موارد منجر به موضع گیری و اتخاذ مواضع منفی نسبت به ایران گردید-حکومت ایران نیز کم کم با بد بینی به سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل نگریست. اولین موضع گیری رسمی پس از انقلاب بر علیه سازمان ملل، شورای امنیت، سازمان عفو بین الملل و عدم تعهد توسط امام خمینی اعلام شد، او اظهار داشت: ... به اینکه یک همچون مجالسی هست و شورای امنیت هست و سازمان ملل هست و این چیز هایی است که بای ما درست کردند. و ما را می خواهند بازی بدهند این مجالس که این ها درست کردند و ما را محکوم کردند آن از اول معلوم بود که ما محکوم هستیم آن مجالس ابا ارزش ندارد و هر چه محکوم کنند، غلط می کنند. محکوم کردند غلط کردند، اشتباه کردند (امام خمینی، ۶۰: ۵۵۰). ایشان حق وتوی شورای امنیت را امری نا پذیرفته و اختیاری دست دو یا چند نفر می داند. وی معتقد است: ما می خواهیم همه ی دنیا بر عدالت با شد هر جا را اینها می چابند اگر چنانچه مثلا سازمان بین المللی کذا بخواهد جلوی ما را بگیرد فوراً وتو می کند و می گوید نه تو غلط می کنی این حرف را می زنی (امام خمینی، ۶۱: ۸۰۰). در همان سال موضع انتقادی خود را نسبت به سازمان عفو بین الملل و سایر سازمان های جهانی اعلام می دارد. ایشان در پاسخ به موضع گیری سازمان عفو بین الملل که به دلیل اعدام های آن دوره در ایران اتخاذ گردید نظر انتقادی خود را چنین اعلام دشت: سازمان عفو بین الملل که من باید بگویم سازمان جعل بین الملل سازمان کذب بین المللی تهمت هایی بر کشور ما زده اند. سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان ها همه دست به هم داده اند که این جمهوری اسلامی را در اینجا خفه کنند (امام خمینی، ۶۰: ۵۵۰). امام خمینی هم چنین نظر صریح خود را نسبت به عملکرد جنبش عدم تعهدا براز می دارد: همان غیر متعهد ها هم باور نکنید که غیر متعهدند اگر در بینشان {غیر متعهد واقعی} پیدا بشود، بسیار نادر است (امام خمینی، ۶۱: ۴۴۲).

دیدگاه های انتقادی جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً بر آمده از نگرش عدالت محورانه اسلام نسبت به موضوعات گوناگون است در طول دوران ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، توسط امام خمینی، رئیس جمهور و وزیر امور خارجه مخصوصاً در نشست های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل با انتقاد از رویه ناعادلانه در شناخت و برخورد با تجاوز عراق به ایران و بسیاری از مسائل وقت جهان اسلام و مشکلات موجود در جهان سوم ادامه یافت. وزیر امور خارجه وقت ایران در رابطه با رفتار ناعادلانه سازمان ملل و شورای امنیت می گوید: اگر شورای امنیت در هفته اول شروع تجاوز عراق بر اساس وظیفه خود عمل می کرد و در قعطنامه ۴۷۹ که اولین قعطنامه پس از تجاوز عراق به ایران بود در اعتراف به تجاوز، شناسایی متجاوز برخورد با آن کوتاهی نمی کرد وضعیتی دیگر غیر از آنچه رخ داده بود ایجاد می شد (ولایتی، ۷۵: ۹).

رابطه ایران با سازمان ملل و سایر سازمان های جهانی پیرامون موضوعات مختلف فرازو نشیب های فراوانی داشت و همواره انتقادات و نظرات اصلاحی خود نسبت به اشکالات ساختاری و اجرایی سازمان ملل و شورای امنیت ونادیده انگاشتن نقش جهان سوم همچنین نحوه تصمیم گیری ناعادلانه در این شورا و حق وتوی نا عادلانه ادامه یافت. دیدگاه های انتقادی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با سازمان های بین المللی که در دهه اول انقلاب با شدت آغاز شده بود، بعد از گذشت یک دهه به دیدگاه های انتقادی- اصلاحی تغییر موضع داد و در دهه های بعد کم و بیش ادامه یافت اما در سال های اخیر این موضع تبدیل به یکی از راهبرد های کلان ملی پایدار برای دستگاه دیپلماسی ایران مبدل شده است که تعقیب و پیگیری آن به صورت یک رسالت به آن نگریسته می شود. اصلاح ساختار سازمان ملل در سیاست های کلی نظام در برنامه چهارم و پنجم توسعه خطاب به دولت و دستگاه دیپلماسی آن دلیلی برنا عادلانه پنداشتن این رویه و تلاش بر اصلاح آن این ادعا را اثبات می کند.

جایگاه عدالت در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی عدالت یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی بوده که در تمام شئون آن مانند روابط دو جانبه، روابط اقتصادی، نفی سلطه گری و سلطه پذیری و روابط با سازمان های بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است. در شرایط کنونی مدیریت دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در اختیار ائتلاف آباد گران ایران اسلامی و اصول گرایان است. آنان در اصول سیاست خارجی خویش به موضوع عدالت توجه ویژه ای مبذول داشته اند. در این اصول عناوین زیر از بر جستگی خاصی برخوردار است: الف- گفتمان عدالت در تعامل و مناسبات با دنیای خارج چاشنی سیاست خارجی ما با شد. ب- روحیه عدالت طلبی و ظلم ناپذیری را باید در دستگاه دیپلماسی، پرورش و تقویت کرد. ج- ایجاد ائتلاف برای عدالت و نفی جنگ، نفی ناعدالتی و سیاسی کاری. در بخش بایدها: د- ائتلاف برای عدالت، صلح و همزیستی گفتگوی تمدن ها و ادیان. ح- گفتگو، تعامل و روابط با دنیا بر پایه منطق عدالت نفی زور و احترام متقابل (WWW.abadgaran.ir P2)

حمید مولانا در خصوص جایگاه عدالت در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد می گوید: دولت احمدی نژاد در فراسوی مفهوم قدرت و توازن قدرت قدم بر داشته و عدالت را یکی از پایه های اصلی کاربردی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی و سازمان های جهانی عرضه نموده است (مولانا، ۸۷: ۱۴۳).

آقای احمدی‌نژاد در اسفند ۸۴ در مجمع عمومی سازمان ملل در باب اهمیت و ضرورت عدالت در روابط بین‌المللی چنین می‌گوید: جمهوری اسلامی ایران صلح و آرامش را بر پایه عدالت و معنویت نه تنها برای ملت ایران و نه تنها برای ملت‌های اسلامی، بلکه برای همه ملت‌ها می‌خواهد. اقتدار کشورهای اسلامی و کشورهای مستقل به نفع همه‌ی بشریت است. به نفع صلح و آرامش و عدالت جهانی است. او عامل عدالت را به عنوان یک اصل بنیادین در روابط بین‌الملل در نطق خود در سازمان ملل مطرح نمود و نقطه اتکاء امید و مشارکت دولت‌ها، ملت‌ها و تفاهم و همکاری در جهت تحقق صلح و آرامش جهانی را مستلزم عدالت در سازمان حاکم و بسط و تعمیق عدالت در سطح بین‌المللی دانست. وی در سال سوم سفر خود برای سومین بار پیاپی دیدگاه عدالت محور خویش را برای جهانیان اعلام می‌نماید: اگر نگاه ما عدالت محور باشد، قانون و حق و عدالت برای همه، آن وقت ریشه عصبانیت از بیخ کنده خواهد شد (www.persident.ir).

برخی متخصصین روابط بین‌الملل بر این عقیده‌اند که گفتمان جدید بر این امر تأکید داشت که سیاست بین‌الملل نشانه‌های معطوف به عدالت بین‌المللی را نادیده گرفته است. تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوره اخیر به این دلیل انجام پذیرفت که نخبگان جدید سیاسی و همچنین فضای اجتماعی حاکم بر ایران نسبت به سیاست‌های غرب در قبال ایران کاملاً ناامید و بیمناک بودند. و به این ترتیب قالب‌های معطوف به عدالت‌گرایی در حوضه‌های سیاست داخلی انعکاس خود را در عرصه سیاست خارجی نیز بوجود آورد (متقی، ۸۷: ۴۵).

اما بسیاری از اندیشوران روابط بین‌الملل نگاه متفاوتی از شرایط حاکم بر دستگاه دیپلماسی ایران دارند، محمود سریع‌القلم یکی از آنان است، او در کتاب سیاست خارجی ایران پارادایم ائتلاف می‌نویسد: بر پا داشتن عدالت، دفاع از نهضت‌ای آزادی‌بخش و دفاع از مسلمانان جهان موجود در قانون اساسی ایران که از ابتدای جمهوری اسلامی تا کنون دستگاه دیپلماسی در عرصه بین‌المللی آن را تعقیب می‌نماید شاید در آینده‌ای دور کاری تا حدودی عملی باشد. ولی مستلزم امکانات، قدرت و توانمندی‌های فوق‌العاده‌ای است که پیچیده‌تر و دارای تفاوت‌ها و وجه‌بسا تضاد‌های جدی در میان کشورها و اقوام مختلف است (سریع‌القلم، ۷۹: ۵۲).

سیف‌زاده نیز همین نگرش را تأیید می‌کند: به طور کلی می‌توان گفت که آزادی تجدیدنظرطلبی و استقرار نظام عادلانه غیرهژمونیک پایدارترین آرزوی سیاست خارجی ایران است که در بیان و اندیشه مقامات بلندپایه آن نیز متجلی می‌شود. تجربه نشان می‌دهد که تجدیدنظرطلبی باید نسبت به قدرت ملی باشد، نه به تغییر ساختار بین‌المللی. زیرا قدرت

کوچک در صورت اتخاذ سیاست صحیح و کارآمد، می تواند آینده خود را تغییر دهد. راه تغییر ساختار بین المللی مناسب برای آن که منزلت کشور مناسب شود، راهی هزاره ای است و نه واقعی. به لحاظ تاریخی، تجربه نشان داده است، که تحول در درون نظام برای تغییر منزلت خود امکان موفقیت دارد. زیرا جمهوری اسلامی ایران توان اقتناعی، تشویقی و اکراهی لازم را در اختیار ندارد که بتواند موضع ناسازگار قدرت های بین المللی را با خواسته عدالت جویانه خود همساز کند (سیف زاده، ۸۱، ۴۶۵). زبینه ترین کاری که یک دولت در حال توسعه میتواند انجام دهد این است که نظام داخلی خود را در طی فرایندی با رفاه توأم با عدالت و سجایای اخلاقی و انسانی سامان داده و نمونه ای برای جهانیان عرضه کند (سریع القلم، ۸۴، ۱۲۵).

نتیجه

آنچه از این تحقیق حاصل آمد، از نظر اسلام عدالت هم اصل و مبدأ و هم والاترین هدف جهان هستی و ادیان توحیدی و آدمیان و تحقق آن در جامعه یک رسالت الهی و وظایف اصلی انبیاء و اهل ایمان است. زیرا از نظر اسلام عدالت امری فطری، اصلی ترین فضیلت، منبع همه ی فضایل و به عنوان یکی از اصول اعتقادی مذهب تشیع محسوب می شود. بنا بر این تلاش ویژه جمهوری اسلامی برای برپاداشتن این اصل در عرصه داخلی و بین المللی ریشه در نظام اعتقادی اسلام دارد. با توجه به ویژگی های نظام سیاسی ایران، یکی از اهداف کلان جمهوری اسلامی تعقیب اصل عدالت در عرصه بین المللی است زیرا نظام فکری - دینی مسلمانان بخصوص شیعیان «... ليقوم الناس بالقسط ويمل الله به الارض عدلاً وقسطاً» است. بنا بر این فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است و جامعه بشری جز با قیام به قسط و بسط عدل قوام نمی یابد چرا که قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی بر اساس همین اصل بوده است.

آنگونه که از اصول متعدد قانون اساسی و عملکرد روابط خارجی ایران استنباط می گردد، مهمترین رسالت جهانی انقلاب اسلامی که توسط دستگاه دیپلماسی اش تعقیب و پیگیری می شود و در قانون اساسی (در مقدمه و اصول یکم، سوم بند نهم، یکصد و پنجاه و دوم و یکصد و پنجاه و چهارم و...) مبین یکی از اصول اعتقادی و تلاش حکومت در جهت یافتن سازوکارهایی مناسب و مطلوب به منظور اعمال و اجرای آن در ابعاد داخلی و بین المللی و سعی کوشش جهت وادار ساختن نهادهای بین المللی و اصرار بر تغییر ارزش های مادی گرایانه و مبتنی بر زور بر مبنای عدالت یکی از وظایف و رسالت خطیر انقلاب اسلامی تلقی می گردد. زیرا جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در جامعه بشری را آرمان خود و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می داند و بر پبایی حکومت جهانی اسلام بر محور عدالت

می‌پندارد. گفتمان انتقادی جمهوری اسلامی پیرامون مقولاتی چون رفتار نهادهای بین‌المللی، سلسله مراتب قدرت، رفتار قدرت‌های بزرگ و تلاش در جهت متقاعد ساختن آنان به رویه و رویکرد عادلانه ناشی از چنین اصل اعتقادی است. چرا که هدف از استقرار جمهوری اسلامی به بیان تصمیم‌سازان انقلابی و به استناد قانون اساسی برپا داشتن اصل عدالت در همه ابعاد زندگی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) است. باید پذیرفت در جهان کنونی اهداف کلانی مانند برپا داشتن عدالت که جمهوری اسلامی ایران به دنبال آنست بواسطه آرمان‌ها و اعتقادات برای خود طراحی نموده است، ریشه در جهان شمول، فلسفی، فراگیر و ابدی بودن اعتقادات اسلام دارد بخصوص در تفکر شیعی که عدالت خواهی ملاک اصلی آن است. اما در مقام عمل و اجرا جهان بر اساس منافع مادی و ملی مدیریت می‌شود نه بر اساس اخلاق و عدالت. در عرصه بین‌المللی تحقق هر هدفی به حجمی از قدرت، ثروت و بازیگران توانمند نیازمند است و اجرای چنین اهداف متعالی (عدالت، سجایای اخلاقی و...) مستلزم بر خور داری از قدرتی جهانی است تا بر اساس آن به توان قوائد بین‌المللی جدیدی طراحی نمود.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۷۴) انتشارات سروش
- ۲- ابراهیمی، محمد و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۸) اسلام و حقوق بین‌الملل، پژوهشکده حوزه و دانشگاه انتشارات سمت
- ۳- آقایی، سید داوود. (۱۳۸۱) ایران و سازمان‌های بین‌المللی، نش مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴) آموزش دانش سیاسی، انتشارات نگاه معاصر
- ۵- حائری یزدی، مهدی. (۱۳۷۴) حکومت و حکمت. انتشارات شادی
- ۶- حقیقت، سید صادق. (۷۶۱۳) مسئولیتهای فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، نشر تحقیقات اندیشه اسلامی
- ۷- خمینی (امام)، روح الله، صحیفه نور ج ۳ و ۴، شرح حدیث جنود عقل و جهل - عدالت الهی
- ۸- _____ تحریر الوسیله، مسئله ۱۲ ج ۱
- ۹- _____ صحیفه ی نور، جلد‌های ۱۶ تا ۲۳
- ۱۰- خوانساری، جمال‌الدین. محمد. شرح غرر الحکم و دروالمکلم، ج ۲
- ۱۱- خامنه‌ای، آیت اله سید علی. (۱۳۸۲) سیاست‌های کلی نظام، برنامه ی چهارم توسعه
- ۱۲- خلیلیان، سید خلیل. (۱۳۶۶) حقوق بین‌الملل اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۱۳- خرم دره، احسان. (۱۳۸۱) چگونگی شکل‌گیری ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۴- خرازی، سید کمال. (۱۳۸۰) سیاست خارجی ما، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۱۵- _____ (۱۳۸۰) سیاست خارجی ما. سخنرانی داووس سوئیس، کنفرانس جهانی اقتصاد، نشر دفتر مطالعاتی سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۱) حکومت حکمت، انتشارات دریا
- ۱۷- رمضان‌نی، روح الله. (۱۳۸۰) چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی ایران، نشر نی
- ۱۸- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۹) سیاست خارجی ایران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۱۹- _____ (۱۳۸۴) ایران و جهانی شدن. نشر مرکز تحقیقات استراتژیک

- ۲۰- دهشیری، محمد رضا. (۱۳۷۹) در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب
- ۲۱- شریعتی، علی. (۱۳۵۳) وحدت و عدالت، حسینیه ارشاد، انتشارات بی جا
- ۲۲- شکوری، ابو الفضل. (۱۳۷۷) فقه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۲۳- شجاعی، زند، علیرضا. (۱۳۸۲) برداشتی همساز و موزون از آزادی و عدالت در قانون اساسی
- ۲۴- صالحی نجف آبادی، نعمت الله. (۱۳۶۳) ولایت فقیه حکومت صالحان، نشر فرهنگ اسلامی
- ۲۵- صفایی، سید حسین. (۱۳۷۵) حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، نشر میزان
- ۲۶- صدر، سید محمد باقر. (۱۳۷۷) اندیشه سیاسی، ترجمه م- جمشیدی، نشر دفتر مطالعات سیاسی
- ۲۷- ضیایی بیگلدی، محمدرضا. (۱۳۶۹) حقوق بین الملل اسلامی، شرکت سهامی انتشار
- ۲۸- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۰) تفسیر المیزان، سوره آل عمران آیه ۲۰۰
- ۲۹- عمید زنجانی، عباسعلی. (سال ۱۳۶۵) فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر
- ۳۰- _____ (۱۳۸۰) مبانی اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
- ۳۱- فیرحی، داوود. (۱۳۸۲) نظام سیاسی و دولت در اسلام، انتشارات سمت
- ۳۲- قادری، حاتم. (۱۳۸۲) اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، انتشارات سمت
- ۳۳- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴) اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، نشر سمت
- ۳۴- قطب، سید. (۱۳۷۸) عدالت اجتماعی اسلام، نشر شروق
- ۳۵- کاظمی، اخوان بهرام. (سال ۱۳۸۱) عدالت در نظام سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۶- مسجد جامعی، محمد. (۱۳۶۵) زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، نشر فرهنگ اسلامی
- ۳۷- متری، فوزی. (۱۳۶۶) سیاست در فلسفه سیاسی اسلام، نشر معارف
- ۳۸- محمدی، منوچهر. (۱۳۷۷) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسایل، نشر داد گستر
- ۳۹- _____ (سال ۱۳۵۷) عدل الهی، تهران انتشارات صدرا
- ۴۰- مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۵) نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۴۱- مولانا، حمید، محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). سیاست خارجی ایران در دولت احمدی نژاد. نشر دادگستر.
- ۴۲- نصر، سید حسین. (۱۳۸۴) قلب اسلام، نشر نی
- ۴۳- نخعی، هادی. (۱۳۷۶) توافق و تراحم منافع ملی ومصالح اسلامی دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ۴۴- نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۱) تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ایران، نشر دفتر مطالعات سیاسی
- ۴۵- ولایتی، علی اکبر. (سال ۱۳۷۶) دیدگاه های جهانی ج.ا. ایران سخنرانی در چهل و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل.
- ۴۶- واعظی، احمد. (۱۳۷۸) حکومت دینی، مرکز نشر اسرا
- ۴۷- ولی پور زرومی، سید حسین. (۱۳۸۳) گفتن های امنیت ملی در ایران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی

ب. خارجی:

- 1-Khadduri, M.(1955) War and Peace in the Law. Islam Baltimore the johans Hopkins press
- 2- Mohammad Ayoob.(1995)The Third world security Rinner publisher
- 3- R.K ramazany. (1992) Irans Foreign Policy both North and South Middle East
- 4- <http://www.abadgaran.ir.p2>
- 5- Robert, 1964, p358-52
- 6-Rawls, john.(1999)justice as fairness , published in collected papers, Cambridge press
- 7- -----.(1971) A theory of justice Harvard university press
- 8- mowlana hamid (1977).Global information and world communication; new frontiers in international relations; sage publications, London
- 9- [htt:// www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa)